



الیزابت دؤ

■ توماس برنهارد ■ هادی مرتضوی

www.ketab.ir

سرشناسه: برنهارد، توماس، ۱۹۸۹ م. (Bernhard, Thomas)
عنوان و نام پدیدآور: الیزابت دوم / نوشته توماس برنهارد؛ ترجمه هادی مرتضوی.
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه نمایشنامه "Elisabeth II" است.
موضوع: نمایشنامه آلمانی، قرن ۲۰ م.

موضوع: German drama - 20st century

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیا

دناسه افزوده: مرتضوی، میرهادی، ۱۳۱۳، مترجم

ردیف کیگه: PT۲۶۶۴

بذی: ۸۳۷/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۹۶۱۶۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۳۷-۰۳-۲

مشخصات فیزیکی: ۱۲/۵ * ۱۹/۵ س.م.

مشخصات نشر: ۱۴۰۲، ناشر.

الیزابت دوم

اتاق شخصیت

نویسنده: توماس برنهارد

مترجم: هادی مرتضوی

ویراستار: نجمه عالی

نمونه خوان: نرگس صوفی‌سیاوش

صفحه آرا: استودیو زاغ

مدیر هنری و طراح جلد: محمدرسول شکرانی

چاپخانه: نازو

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۳۷-۰۳-۲

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۹۰/۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین

خیابان وحید نظری، پلاک ۱۲۰

تلفن: ۰۲۱۶۵۰۱۱۵۵۴ - موبایل: ۰۹۰۵۱۵۱۳۷۰۲

www.raybodpub.com

info@raybodpub.com

@raybodpub



فهرست

۹	درباره نویسنده
۱۳	الیراب
۱۵	شخصیت
۱۷	پرده اول
۴۹	پرده دوم
۸۳	پرده سوم

درباره نویسنده

توماس برنهارد در سال ۱۸۹۹ در شهر هیرلن^۱ هلند به دنیا آمد و در سال ۱۹۸۹ در اتریش درگذشت. دوران کودکی دشواری داشت؛ مادرش او را در صومعه‌ای ویژه زنان بی‌شوهر به دنیا آورد، و پدرش هرگز او را به فرزندی نپذیرفت. پدر بزرگ مادری‌اش تربیتش را به عهده گرفت و وی را در سه‌سالگی با خود به اتریش برد و در سالمندی^۲ در دواج کرد که از عهده نگهداری کودکی با این سن و سال برآید. توماس به‌قوا خوشی دوران کودکی خوشی داشت. تحصیلات ابتدایی‌اش بی‌دردسر پایان یافت و وی در دبیرستان با مشکلاتی روبه‌رو شد و ترک تحصیل کرد و به کارآموزی فرهنگی روی آورد. در هفده‌سالگی، به بیماری سل ریوی دچار شد و بیس از شش ماه در آسایشگاه مسلولان بستری بود.

بعد از دوره درمانی چندین ماهه و خروج از بیمارستان، به تحصیل در رشته‌های هنری پرداخت و هم‌زمان به کار نویسندگی مشغول شد. در سال ۱۹۷۰، با دریافت جایزه ادبی بوشنر^۳ (معتبرترین جایزه ادبی آلمان) شهرت یافت؛ چنان‌که در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۸۰ از بزرگان ادبیات زبان آلمانی به شمار می‌رفت و چندین رمان و نقد هنری و نیز مقاله‌ها، اشعار و نمایشنامه‌های

1. Thomas Bernhard

2. Heerlen

3. Büchner

بسیاری از او در دست علاقه‌مندان به شعر و ادب بود.

سبک نگارش او با لحنی نیش‌دار و رک و پراز کنایه‌های ویژه خودش بود و همین کلام نیش‌دار و اعتراض‌آمیز او جامعه فرهنگی اتریش را دچار لرزه‌ای کرد تا بسیاری را از خواب بیدار کند. هر نوشته‌ای از او که به دست مردم می‌رسید، واکنش‌های شدید و متضادی به همراه داشت؛ یا اعتراض سنت‌گرایان و محافظه‌کاران اتریش را برمی‌انگیخت و یا روشنفکران و جوان‌ترها را به تحسین وامی‌داشت.

در سال ۱۹۸۸، کارگردان نامدار تئاتر آلمان، کلاوس پیمان^۱، که «بورگ‌تئاتر»^۲ پیرامون اداره می‌کرد (کارگردانی که سال ۲۰۰۸، فته دلاور اثر برتولت برشت^۳ را در تئاتر بولشوی برد)، در وین نمایشنامه میدان دلاوران^۴ توماس برنهارد را کارگردان کرد و پس از آن در اتریش آشوبی برپا شد که در تاریخ پس از جنگ این سیمین نظیر نداشت. از سویی فریاد اعتراض و شکایت و ناسزاگویی به نویسنده نمایشنامه و کارگردان تئاتر در جامعه بلند شد؛ و از سوی دیگر روشنفکران و دانش‌مندان به تشویق و تأیید آن دو پرداختند. روزنامه‌های محافظه‌کار از خود می‌پرسیدند که چگونه می‌توان از خزانه ملت برای ناسزاگویی به همین ملت مایه گرفت؟ برشت! برخی فریاد می‌زدند که «هر دو را بیرون کنید». این نمایشنامه به زمانی اشاره داشت که مردم وین در همان میدان دلاوران تجمع کردند و ورود هیتلر و رستگن داوطلبانه اتریش به رایش آلمان را با جشن و پایکوبی گرامی داشتند. شاید به سبب همین رنجش از مردم اتریش بود که برنهارد در وصیت‌نامه خود انتشار و نمایش آثارش را در اتریش برای همیشه ممنوع کرد، که البته وصی او برادر ناتنی‌اش - ترجیح داد که این قدغن را نادیده بگیرد!

توماس برنهارد استاد مسلم نثر بود و با نبوغش سبک تازه‌ای پدید آورد که ویژه خود او بود. کمتر جایزه ادبی زبان آلمانی هست که به او اهدا نشده

-
1. Peymann Claus
 2. Burgtheater
 3. Bertolt Brecht
 4. Heidenplatz

باشد. هر جا که او را برای دریافت جوایز دعوت می‌کردند، در وین، برلین، برمن یا هامبورگ، حضور می‌یافت و در سخنرانی‌هایش، به جای تشکر، هیئت داوران را به باد انتقاد می‌گرفت؛ و جامعه و برگزیدگان آن را به فرصت‌جویی و خوش‌رقصی و بی‌اعتنایی به قواعد و قوانین اخلاقی متهم می‌کرد. چند سالی است که سخنرانی‌های او را بدین شکل جمع‌آوری و در کتاب جداگانه‌ای منتشر کرده‌اند. برای آشنایی بیشتر با او، خواندن این مجموعه را به علاقه‌مندان به سبک نگارش او پیشنهاد می‌کنیم.

امید است که خوانندگان و اهالی ادب، هنر و زبان فارسی، این ترجمه را بپذیرند و از آن بهره‌مند شوند.

دکتر هادی مرتضوی - فرانکفورت - ژانویه ۲۰۱۴

هرن اشتاین سرمایه‌دار بزرگ
 ریشارد خدمتکار مخصوص او
 دکتر گوگن‌هایم همسایه
 خانم زالینگر کدبانوی خانه
 ویکتور
 برادرزاده هرن اشتاین
 کنت نویتنس
 کنتس گودنس
 خانمی با کلاه قرمز
 نام‌یگر
 خاسی، جگر
 آقای هولسیگر
 مدیرعامل و مباشر هرن اشتاین
 چندین خدمتکار زن
 دست‌کم بیست خانم و آقای دیگر
 (به‌جز دکتر گوگن‌هایم و کنتس
 گودنس، همه با لباس مشکی)

خانه‌ای اعیانی در اوایل قرن بیستم، ولی با میلمان اندک در بزرگ، دو لته به
 روی بالکن در میان، و دو پنجره در چپ و راست در دیوار چپ بالا، و در
 روی دیوار راست، یک پنجره
 یک ساعت دیواری بزرگ
 یک گرامافون
 خیابان اپرا در شهر وین
 طبقه سوم
 صدای هیاهوی اندک از خیابان